

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسؤل ارتباطات شهرهای کردستان عبدل کلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۸۴

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۵ مهر ۱۳۸۶، ۱۷ اکتبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدل کلپریان
 abdolgolparian@yahoo.com

گزارشی از اعتراض و تجمع کارگران کارخانه شاهو به افزایش ساعات کار



روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه ۸۶ مدیر کارخانه شاهو طی بخشنامه ای به بهانه افزایش ساعات استراحت کارگران در موقع ناهار، به کارگران این کارخانه اعلام کرد که به این منظور، از این پس باید بمدت ۹ ساعت در روز کار کنند. وی به کارگران اعلام کرده است من شما را دوست دارم و میخواهم موقع ناهار استراحت بیشتری بکنید، به همین دلیل یک ساعت به ساعات کاری شما اضافه میکنم تا این امر متحقق گردد!؟!؟! اما کارگران متحد و آگاه این کارخانه حاضر به پذیرش این امر نشده و اعلام کردند مدیر کارخانه با ترفند

دلسوزی و دوست داشتن استراحت بیشتر برای کارگران در موقع ناهار و به این بهانه با رساندن ساعات کار به ۹ ساعت در روز، قصد دارد این مدت ساعت کار را در کارخانه رسماً جا بیاندازد. لازم به یاد آورید که کارگران شاهو مدت ۲۵ سال است از ساعت ۸ صبح شروع بکار کرده و در ساعت ۴ بعد

از ظهر کار را تعطیل میکنند و مدت ۴۰ دقیقه نیز در این مدت صرف خوردن ناهار میکنند. در بخشنامه جدید که قرار بود از روز شنبه ۲۱ مهر ۸۶ توسط مدیریت کارخانه به اجرا در بیاید، کارگران می بایستی از ساعت ۷/۳۰ صبح شروع بکار کرده و در ساعت ۲ صبح

پاسخ محکم کارگران و مردم به سیاست سرکوب جمهوری اسلامی



محمد آسگران

قدم به قدم این رژیم ناچار به عقب نشینی شده و تعادل قوا به نفع مردم تغییر کرده است. اکنون اوضاع سیاسی چنان عوض شده است که سران رژیم اسلامی رسماً اعلام کرده اند که زندانیان سیاسی را اعدام نمیکنند!؟ اگر چه این يك دروغ بزرگ است اما این نوع دفاع نشانه تعادل قوای معینی است که دیگر رژیم اسلامی نمیتواند تحت عنوان "ضدانقلاب" و "محارب" مخالفتش را اعدام کند. ناچار شده است زبان دروغ را به کار بگیرد و بگوید مخالفین سیاسی را اعدام نمیکنند.

جمهوری اسلامی رژیم است که از روز سرکار آمدنش تا کنون قتل و کشتار مخالفین را با سبعت تمام ادامه داده است. جمهوری اسلامی فقط با قدرت سرکوب و اسلحه و گله آخوند و حزب الله توانسته است سرکار بماند. اما در چند سال گذشته

صفحه ۲

گزارشی تکان دهنده از شهر اشویه

صفحه ۵

وسرش له و گلولش بریده شده بود. در اطراف جسد بی جان این کودک آثار یاقیمانده از ته سیگار و کبک و ساندیس به چشم می خورد. ظاهر امر نشان از جنایتی روانی میدهد، اما با اعلام این خبر که دزدیده شدن کودکان به همین مورد وهمین شهرستان ختم نمی شود و در شهرهای مختلف و تقریباً به طور همزمان این موارد اتفاق افتاده است، قضیه پیچیده تر و هولناک تر میشود. بحث از فعالیت یک باند خطرناک و مافیایی میشود.



بعداز گذشت بیش از ۱۰ روز از مفقود شدن کودکی خردسال (۶ساله) ساکن شهرستان اشویه به اسم بهروز احمدیان جسد بی جان وی در شب ۲۱ مهر ۱۳۸۶ در حواشی شهر پیدا شد که بشدت مورد آزار جسمی قرار گرفته بود. بطوریکه تمام بدن او کبود شده

صفحه ۵

از میان نامه ها و سؤالات

صفحه ۶

اقدام جالب کارگران عسویه علیه مجازات اعدام و در دفاع از کارگران هفت تپه

صفحه ۷

اجرای حکم اعدام اختر محمدی یک هفته به تعویق افتاد!

صفحه ۷

اگر من به جای خدا بودم
 سارا

صفحه ۸

در مورد اخراج مهرنوش موسوی از حزب "حکمتیست"

صفحه ۸

بیانیه شش ماده ای کارگران نیشگر هفت تپه منتشر شد

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پاسخ محکم کارگران و مردم . . .

گزارشی از اعتراض و تجمع کارگران کارخانه شاهو . . .

از صفحه ۱

گذشته ساعت ۸ صبح بر سرکارهایشان آمده و در موعد همیشگی کار را تعطیل خواهند کرد. همچنین کارگران بطور قاطعانه ای به کارفرمای کارخانه شاهو اعلام کردند که چنانچه مدیر کارخانه را بر کنار نکنند آنان بر سر کارهایشان حاضر نخواهند شد.

کارگران شاهو در تجمع خود اعلام کردند بخشنامه افزایش ساعات کار را اجرا نخواهند کرد

کارگران شاهو طبق اعلام قبلی روز پنجشنبه ۱۹ مهر ماه در اعتراض به عدم بازنشست کردن ۲۵ نفر از همکاران خود ساعت ۹ صبح در مقابل اداره تامین اجتماعی سندانج تجمع کرده و سپس از ساعت ده صبح در اعتراض به افزایش ساعات کار در کارخانه شاهو تا ساعت ۱۲ ظهر در مقابل اداره کار سندانج تجمع کردند. در این تجمع که همه کارگران کارخانه شاهو در آن شرکت داشتند مذاکرات فی ما بین آنان، اداره تامین اجتماعی و اداره کار سندانج نتیجه ای نداد.

از طرف دیگر ۲۵ نفر از کارگران این کارخانه که موعد بازنشستگی آنان فرا رسیده است در بلا تکلیفی بسر برده و خواهان بازنشست شدن هستند. تامین اجتماعی سندانج به بهانه بدهی کارخانه شاهو به این اداره، علیرغم رسیدن موعد بازنشستگی این کارگران و درخواست مکرر آنان برای بازنشست شدن، تاکنون از انجام وظایف خود سرباز زده و تن به بازنشستگی این کارگران نداده است.

کارگران شاهو اعلام کرده اند در اعتراض به عدم بازنشست کردن کارگرانی که موعد بازنشستگی آنان فرا رسیده است، روز پنجشنبه ۱۹ مهر ساعت ۹ صبح در مقابل اداره تامین اجتماعی دست به تجمع خواهند زد و سپس در ساعت ۱۰ صبح در اعتراض به افزایش ساعات کار در مقابل اداره کار سندانج به تجمع خود ادامه خواهند داد.

این کارگران بطور یکپارچه و متحدانه ای اعلام کرده اند که چنانچه مدیر کارخانه و اداره کار به اعتراضات آنان توجهی ننموده و بخشنامه را پس نگیرند، آنان این بخشنامه را برسمیت شناخته و طبق معمول ۲۵ سال

کارگزاران و مدافعین سیستم شوروی استالینی و چین مائوی و انورخوجه ای و ... که همگی "اصلاح طلب" شده بودند در کنار سخنگویان اسلامی و ناسیونالیسم پروغری یک دفعه دمکرات و اهل دیالوگ با پسر عموهای انحصار طلب شدند. با خامنه ای دیالوگ میکردند به ما اتهامات سخیف پرت میکردند. و در نهایت همه اینها طرفداران انقلاب آرام و مخملی شدند. خطر کمونیسم را به همدیگر تذکر دادند.

نشریات دوم خردادی تریبون این طیف علیه کمونیستها شد. هنگام گزارش اعتراضات سرخ دانشگاهها رسانه های لس آنجلسی و فارسی زبان وابسته به آمریکا در یک انتلاف اعلام نشده با جریانات دوم خردادی تلاش کردند کمونیستها را با القابی جنگ سردی که حذف میکنند و دیکتاتور هستند و دمکراسی سرشان نمیشود ... معرفی کنند. این رسانه های بسیار "باشرف" جاهایی از این تجمعات را نشان دادند که پرچمهای سرخ نباشد. شعارهایی را از زبان آنها تکرار کردند که در مراسمهای چند سال قبل داده شده بود اما خبری از آنها در اعتراضات اخیر نبود. کسانی تحلیلگر این وقایع شدند که خودشان قبلاً بوسیله چپها و کمونیستها منزوی و شکست خورده بودند. افشاری و گنجی و تحکیم وحدتی ها را میگویم.

دتر تحکیم وحدت این "خطر" را جدی گرفت و اعلام کرد که از نیروهای انتلاف دوم خردادی فاصله میگیرد. زیرا میدانستند که این دوره فقط رادیکالیسم و اپوزیسیون کل رژیم برای مردم محروم و جوانان میتواند جذابیت داشته باشد. اینها اما هماهنگ با این تغییر ریل ظاهری اصل را بر ضدیت با کمونیستها گذاشتند و بطور برجسته خطر شبح لنین را بر فضای ایران اعلام کردند: در نقد انحصار طلبی پسر عموهایشان، گوشزد کردند که اگر به آنها میدان علنی و قانونی فعالیت داده نشود کمونیستها و فعالین سیاسی رادیکال میدان دار میشوند.

صفحه ۳

ها نشان میدهند. معلوم نبود اگر اینطور است چرا آنها عکسی از پرچم سه رنگ گریه نشان و یا مصدق و رضا پهلوی را نتوانستند در رسانه ها نشان دهند. دلیل این بود که خط سیاسی چنین عکسهایی در این اعتراضات نمایندگی نشد.

از جانب دیگر دوم خردادیهای پراکنده و مایوس که پرچم سفیدشان در مقابل پسرعموهای انحصار طلبشان بالا رفته بود هنوز نمیخواستند در مقابل چپ و کمونیستها پرچم سفید بالا ببرند. ناسیونالیسم پروغرب که میخواست فقط با قدرت پول و رسانه هایش جامعه را به سم ناسیونالیسم مسموم کند آمدند انکار کردند. گفتند کمونیستها ضعیف هستند. چند نفری شلوغ کن هستند. این دو طیف هم در رسانه های دوم خردادی در ایران و هم در رادیو و تلویزیونهای لس آنجلس و رسانه های فارسی زبان وابسته به آمریکا اعلام کردند که دانشجویان اصلاح طلب هستند. انقلاب نمیخواهند. افشاری و سازگارا و رویا طلوعی و مهرانگیز کار و منوچهر محمدی و ... در همین رسانه ها آمدند اعلام کردند که مردم اصلاح طلب هستند انقلاب نمیخواهند. گفتند کسانی که انقلاب، انقلاب میکنند میخواهند خشونت کنند؟! گفتند تاکتیکشان نافرمانی مدنی است و انقلاب نارنجی میخواهند. گفتند مجلس موسسان و رفرا ندوم میخواهند. کمپین رفرا ندوم راه انداختند. پرچم اعتراض به انحصار طلبی آری ولی زیر ضرب بردن کل نظام و سیستم حاکم بر جامعه نه، شعار کل این طیف بود.

آنها با این شعار و سیاست انکار کمونیستها میخواستند مانع رشد کمونیسم و رادیکالیسم جنبشهای اجتماعی شوند. اما عاقلان این قوم میدانستند که با انکار نمیشود کاری کرد. شروع کردند به نقد کمونیستها از زاویه دمکراسی و کمونیستها را به سیاستهای مستبدانه، حذف کن، دیکتاتور و ... متهم کردند. ما کمونیستهایی که در زندگیمان یک روز هم از استالین و مائو دفاع نکرده بودیم دیکتاتور لقب گرفتیم و

با این وجود جنبش سرنگونی اگر چه در ابتدا اساساً با پوشش دوم خرداد و "اصلاحات" به میدان آمد اما قدم به قدم و مخصوصاً بعد از شکست دوم خرداد این جنبش دوره انتقالی خود را طی کرد و روی پای خودش قرار گرفت. مدتی طول کشید تا این دوره انتقال به جنبشی رادیکال و سرخ تبدیل شود. در این دوره انتقالی مدتی شاهد اعتراضات وسیع و بروز علنی اعتراضات جنبشهای مختلف بودیم. اما همه کسانی که تحلیل درستی از اوضاع سیاسی داشتند میدانستند که این یک دوره انتقال است و فعالین عرصه های مختلف باید خودشان را سازمان میدادند و راههای دیگری را بجز پوشش دوم خردادی پیدا میکردند. در همین فاصله که فعالین جنبشهای اعتراضی و رادیکال روی پای خود قرار گرفته و به میدان آمدند، کل گرایش راست ملی اسلامی و ناسیونالیسم پروغرب مایوس و تا حدود زیادی از میدان خارج شدند. برجسته ترین نمود این تحول شعارهای سوسیالیستی دانشگاهها و نقد سیستم سرمایه داری در قطعنامه ها و سخنرانیهای فعالین کارگری و جنبش دفاع از حقوق کودکان بود.

در چنین شرایطی و بعد از خاکسپاری دوم خرداد علاوه بر جنبش جوانان و جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش کارگری با قدرت و توان و تاثیر بسیار گسترده تری وارد میدان شد. نمونه شرکت واحد، نساچیهای سندانج، کاشان و ... و این اواخر هفت تپه و صدها نمونه دیگر که اخبارش در رسانه ها درج شد. در این پروسه چپ و کمونیسم سخنگویان و پرچمداران خود را در جنبشهای اجتماعی بیش از پیش به جامعه معرفی کرد. اوضاع به تدریج داشت کل رژیم اسلامی و نه تنها این بلکه کل سیستم سرمایه داری را زیر ضرب میگرفت. راست پرو غرب در تلویزیونهایشان آمدند اعلام کردند که چپ در دانشگاه اینقدر هم قوی نبوده است. اعلام کردند که کمونیستها فرصت طلبی کرده و فقط پرچمهای خودشان را در رسانه

پاسخ محکم کارگران و مردم . . .

گزارشی از اعتراض و تجمع کارگران کارخانه شاهو . . .

از صفحه ۲

افزایش ساعت کار را نیز بپذیرند. تصمیم قبلی خود اصرار کرده و اعلام نمودند که ما حتی يك دقیقه افزایش ساعت کار را نخواهیم پذیرفت و طبق روال همیشه بر سر کارهای خود حاضر خواهیم شد.

بدنبال این وضعیت و مقاومت کارگران شاهو در برابر افزایش ساعت کار، از سوی قرار بر این شد تا عباسی رئیس اداره روابط کار سندانج روز یکشنبه برای ادامه مذاکرات به کارخانه بیاید و از سوی دیگر مدیریت کارخانه اعلام نمود از روز یکشنبه ۲۱ مهر سرویس رفت و برگشت کارگران را بر اساس بخشنامه افزایش ساعات کار سامان دهی خواهد کرد. اما کارگران اعلام کردند از اجرای بخشنامه افزایش ساعات کار خودداری کرده و روز یکشنبه راس ساعت ۸ صبح طبق معمول بر سر کارهای خود حاضر خواهند شد.

کارگران شاهو بخشنامه افزایش ساعات کار را اجرا نکردند و مسئله افزایش ساعات کار به شورای حل اختلاف موکول شد

در پایان این جلسه مسئولین اداره روابط کار به کارگران شاهو اعلام کردند: شما دست به تجمع نزنید و مطمئن باشید با توجه به قوانین موجود در شورای حل اختلاف رای به نفع شما صادر خواهد شد.

کارگران شاهو نیز اعلام نمودند ما طبق معمول همیشه بر سر کارهای خود آمده و بخشنامه را اجرا نخواهیم کرد.

روز ۲۱ مهر ماه کارگران کارخانه شاهو بر اساس تصمیم مجمع عمومی خود به بخشنامه افزایش ساعات کار از سوی کارفرما تن نداده و طبق معمول بر سر کارهای خود حاضر شدند.

در همین روز بنا بر قرار قبلی عباسی رئیس اداره روابط کار سندانج به همراه جهان بین بازرس کار به کارخانه شاهو آمدند و جلسه مشترکی بین آنان، نماینده کارفرما و چهار نفر از نمایندگان کارگران برگزار شد. در این جلسه نماینده های کارگران همچنان بر

تاریخ رژیم اسلامی بیش از بقیه در کشتن مخالفین قاطعیت از خود نشان داده بودند، فضای دهه شصت را در ایران دوباره زنده و حاکم کنند. آنها فکر میکردند که سناریوی از میدان بدر کردن دوم خرداد مثل فراری دادن بنی صدر در دهه شصت است و سرکوب مخالفین و شمشیر را از رو بستن میتواند آن دوره را تکرار کند. قرار بود بیرحمی خدا و شمشیر خوین علی در مقابل مردم به نمایش گذاشته شود که ساکت و خانه نشین شوند. قرار بود این سیاستها مردم را مرعوب و مطیع دستورات نمایندگان خدا بکنند که سرمایه کارش را ادامه بدهد. قرار بود اینبار انرژی هسته ای همان سناریوی تسخیر سفارت آمریکا را در اذهان تداعی کند و نعمات دهه شصت را برای رژیم اسلامی داشته باشد. اما این حسابگرها از پایه غلط بود.

در همین ایام بود که جغدهای اپوزیسیون بر بام ویرانه های که این رژیم در جامعه ایجاد کرده بود شروع کردند جنبش سرنگونی شکست خورد. گفتند جنبش سرنگونی طلبانه مردم از همان اول هم رهبریش در دست جناح راست بورژوازی پرو غرب بوده و شکست خورده است. و البته همه اینها کشفیات تازه و کالاهایی بود که این چند سال اخیر به بازار آورده شد. تعدادی "رادیکالتر" اعلام کردند جنبشی به اسم جنبش سرنگونی آرزوهای چپ بوده واقعت نداشته است، تعدادی که خیلی میخواستند در تحلیلشان "عمیق" شوند اعلام کردن اصلاً این ترم جنبش سرنگونی ضد مارکسیستی است و چاره در خانه نشین شدن همگان است و...

اما جامعه ای که در تب و تاب میسوزد و میلیونها مردمی که نه از سر عافیت طلبی و تئوریهای آنچنانی بلکه از سر معضلات واقعی زندگی روزمره، مجبورند علیه حکومت فاشیست اسلامی مبارزه کنند راه مقابله با سیاست سرکوب را پیدا کردند. در این مبارزه واقعی به تئوریهای راهگشای کمونیستی و

کردند اصلاً جنبش سرنگونی وجود نداشته است بلکه این ساخته ذهنیت چپ بوده است که آرزوهایش را به جای واقعیت گذاشته است. نوشتند "جمهوری اسلامی از دهه ۶۰ شمسی هم محکمتر و قدرتمند تر شده است". از این بدتر "رهبران" نو ظهوری که خیلی تئوری و کتاب خوانده و "کمونیست" شده اند اعلام کردند این جنبش سرنگونی اصلاً بیخود وارد ادبیات چپ شده است. چنین اصطلاحی در کتاب های مورد مطالعه ایشان نیست پس غیر مارکسیستی است! در متن چنین شرایطی که راست به هزیمت افتاده و هذیان میگفت جنبش کارگری به میدان آمد و خواب همه را به هم زد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی در مقابل رشد و قدرت جنبشهای انقلابی و فعالین چپ و کمونیست از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا کنون سیاست سرکوب و ارعاب را با شدت تمام بکار گرفت. اعدامهای دسته جمعی، دستگیری و صدور احکام زندان برای فعالین سیاسی، شکنجه و بازداشتها وسیع، تعرض به جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، اقدام به سرکوب شدید جنبش کارگری، دستگیریهایی خیابانی و ایجاد فضای وحشت در جامعه تحت عنوان "جمع کردن و اعدام ارادل و اوياش" اجرای سیاست تحقیر و تعرض به زنان "بدحجاب" تحقیر کردن جوانان با نمایش های وحشیانه و قرون وسطایی "انداختن آفتابه به گردن آنها" برای شکستن کرامت و شخصیت انسانیشان، صدور احکام تحقیر آمیز و بیشرمانه "شلاق" علیه ناراضیان و بویژه فعالین کارگری، دستگیری و صدور احکام زندان علیه فعالین کارگری شناخته شده مثل منصور اساتلو، محمود صالحی، شیث امانی، صدیق کریمی و... این سیاستها و به میدان آوردن گله بسیج و حزب الله همگی قرار بود به ایجاد فضای قبرستانی در جامعه ایران خدمت کنند.

قرار بود احمدی نژاد و تیم قاتلین هیئت دولت که در طول

اما همه این صف رنگارنگ بورژوازی در مقابل قدرت اجتماعی چپ جامعه ناچار به عقب نشینی شد. این اوضاع هر روز به سمت پلاریزه شدن بیشتر و رادیکالیسم اجتماعی تر پیش رفت. سیر این تحولات چپ، جنبش کارگری و به تبع کمونیسم کارگری را در موقعیتی قرار داد که سکان این حرکت جنبشهای اعتراضی را از دست جریانات دیگر دریابورند. این تعادل قوایی فعلی جامعه ای است که افتقاهی متفاوت رنگ خود را به آن زده اند. این تعادل قوا اگر موقتی هم باشد تا اطلاع ثانوی جریانات راست، ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب شکست خوردگان سیاسی محسوب میشوند.

طنز تلخ تاریخ اما آنجا بود که کسانی در میان اپوزیسیون "چپ" این شعارها و راه حلها و ارزیابیهای دوم خردادها را قورت دادند و شروع کردند تکرار همان تزهایی شکست خورده. اعلام کردند که شعار "سوسیالیسم برای رفع تنگی" از سوی تعداد کمی بوده است. اعلام کردند راست دست بالا دارد. اعلام کردند شعار دفاع از سوسیالیسم معلمان فتوشاپ بوده است. اعلام کردند راست پروغرب و دوم خرداد رهبر جنبش سرنگونی بودند آنها شکست خوردند بنابراین این جنبش سرنگونی هم شکست خورد. مضحکتر این بود بعد از گذشت ۷ سال که از تاریخ جنبش قدرت مند جوانان و دانشجویان و مردم در سال ۷۸ که خامنه ای را وادار کرد بگوید "صدای اعتراضشان را شنیده، اگر عکس او را هم پاره میکنند مهم نیست و... کسانی در اپوزیسیون چرتکه انداختند و در شرایط امروز اعلام کردند "این جنبش همان سال اول قربانی توهمات خودش شد" پس جنبش سرنگونی شکست خورد.

معلوم نیست این اصحابان کهنف چرا بعد از ۷ سال تکرار قدرت جنبش سرنگونی طلبی اکنون متوجه "شکست" این امر شده اند. در این صف شکست خورده هنگامیکه پیش نماز شکست جنبش سرنگونی طلبی را اعلام کرد، پس نماز "رادیکالتر" اعلام

از سایت های حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

پاسخ محکم کارگران و مردم . . .

اخباری از سندج

سر نشینان آن يك زن و يك مرد بودند پرداخت. در جریان این تعقیب و گریز، خودرو شخصی در محله کارآموزی متوقف و راننده آن از ماشین پیاده و متواری می شود و خانمی که در داخل ماشین بود توسط نیروهای انتظامی تعقیب کننده دستگیر شده است. پلیس با کتک کاری و اعمال خشونت قصد بردن این خانم را داشت که مردم ناظر در صحنه به حمایت از او پرداخته و با حمله به پلیس و نیروی انتظامی، او را از چنگ آنان رها ساختند و از محل دور کردند. مردم خشمگین در صدد برآمدن که ماشین نیروهای انتظامی و پاسگاه آنان را که در مجاورت بازار تاناکورا قرار داشت آتش بزنند اما نیروهای مزدور رژیم با تیراندازی متوسل شدند.

کمیته کردستان حزب به جسارت مردم مبارز سندج درود می فرستند و از همگان می خواهد که برای ایجاد امنیت و آسایش شهروندان، در شهر در مقابل دست درازی جیره خواران رژیم متحد و متشکل شده و خود امنیت و حراست از شهروندان را بر عهده بگیرند.

سندج:

روز جمعه ۲۰ مهر ماه ۸۶ قبل از طلوع بامداد تعدادی افراد مسلح به پاسگاه نیروهای انتظامی در محله عباس آباد حمله کرده و دو نفر از نیروهای این پاسگاه را کشتند. تا رسیدن این خبر هنوز از هویت حمله کنندگان به این پاسگاه خبری بدست ما نرسیده است.

بنا به اخباری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است روز ۵ شنبه ۱۹ مهر ۸۶، دو نفر به اسامی کیومرث احمدی و نادر احمدی توسط رژیم اسلامی در سندج اعدام شدند. کاربدستان رژیم ادعا کرده اند که این دو نفر به همراه نفر سوم به اسم شاهو فاتحی در قتل ناصر بیگلری از مسئولین سپاه پاسداران شرکت داشته اند. لازم به ذکر است که چند ماه قبل شاهو فاتحی بعد از واقعه کشته شدن ناصر بیگلری دستگیر و زیر شکنجه ماموران وزارت اطلاعات رژیم جان خود را از دست داد. خبرهای رسیده حاکی از آن است که این سه نفر هیچ گونه دخالتی در قتل ناصر بیگلری نداشته و خود آنها هم این اتهام را رد کرده اند.

ناصر بیگلری یکی از مهره های سپاه پاسداران رژیم در سندج بود که در فروش و توزیع مواد مخدر نقش برجسته ای داشت و به وسیله افرادی ناشناس کشته شد.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن اعدام کیومرث و نادر احمدی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، به خانواده و بستگان آنها تسلیت میگوید. ما از مردم آزادیخواه و برابری طلب سندج می خواهیم که به هر شکل ممکن است این عمل وحشیانه و قرون وسطایی رژیم را محکوم و نسبت به آن اعتراض کنند. باید جنبش علیه اعدام در ایران براه انداخت و مانع از آن شد که رژیم هار اسلامی بیش از این مردم را به جوخه های مرگ بسپارد.

سندج:

روز شنبه ۲۱ مهر ماه ۸۶ مامورین نیروی انتظامی به تعقیب يك خود رو شخصی که

میدانند که تحولات قابل توجه سالهای گذشته را ممکن کرده است. بنابر این حزب کمونیست کارگری بیش از همیشه با اعتماد به نفس و بی تخفیف پرچمدار و رهبری این جنبشها را وظیفه خود میدانند. کمونیسم کارگری در این جنبشها حضور قدرتمند خود را دیده است. تاثیر و نفوذ سیاستها و جهت و افق خود را در تمام زوایای جامعه میببیند و در صف اول این اعتراضات و برای تغییرات بنیادی در نظام و سیستم ظالمانه موجود ایستاده است.

اما نکته مهم و واقعیت خیره کننده در ایران این است که درست در سرزمینی که حکومت قرون وسطایی و ضد انسانی اسلامی حاکم است، مردم، کارگران، زنان و جوانان چاره را در زیر و رو کردن نظام و سیستم حاکم میبینند و با هزار زبان اعلام کرده اند که آلترناتیو خود را در سوسیالیسم می جویند. و این سوسیالیسم چین و شوروی بعد از شکست بلشویسم، نیست، این سوسیالیسم منصور حکمت و کمونیسم کارگری است که اساسا در نقد این تجارب گذشته شکل گرفته و پاسخی است به معضلات دنیای امروز. مردم ایران میروند که این پاسخ را تجربه کنند. با همه این اوصاف جنبش انقلابی مردم و در پیشاپیش آن جنبش کارگری نیروی قدرتمندی است که راه پیشروی خودش را پیدا کرده است و به پیش میروند ما این را تضمین میکنیم.

اکتبر ۲۰۰۷

در این اعتراضات اینجا و آنجا قابل مشاهده بود در سه سال اخیر اساساً این جنبش با نقد عمیق نظام سرمایه داری شناخته میشود. این جنبش با شعار سوسیالیسم یا بربریت، با سرود انترناسیونال، با نقد دنیای وارونه و با نقد ناسیونالیسم و فدرالیسم و مذهب خود را تعریف کرده است. شکست طلبان فکر میکنند اینها فقط "فاکت" های کم اهمیتی هستند و قابل اتکا نیستند!!

واضح است که تحلیل شکست طلبان انعکاسی از شکست جنبشهای دیگری است که در بالا به آن اشاره شد. هر چند خود اینها نماینده هیچ جنبشی نیستند اما شکست جنبشهای دیگر را منعکس میکنند. حقیقت این است که نه عقب نشینیهای رژیم اسلامی و نه شکست و منزوی شدن جنبش دوم خرداد و ناسیونالیسم پرو غرب اتفاقی نبوده است. اینها در يك جنگ و جدال اجتماعی به عقب رانده شده اند. همچنانکه شکست طلبان اخیر در اپوزیسیون اتفاقی و از سر نا آگاهی و یا لایبالی گری نبوده و نیست که پرچم یاس و نا امیدي را برداشته اند. همه این تحولات در پس يك جدال عمیق اجتماعی اتفاق افتاده است. در چنین شرایطی چه جامعه، جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش جوانان و جنبش دفاع از حقوق کودک و حرکت عظیم انسانی علیه مجازات اعدام و... بیش از همیشه نشان داد که کمونیستها لیاقت و توان و پتانسیل رهبری جامعه را دارند. این جنبشها اکنون بیش از همیشه خود را در صف حرکت و افق عظیمی شریک

به منصور حکمت مراجعه کردند. این اتفاقی است که در مقابل چشم متحیرو توام با وحشت سران حکومتی، در مقابل چشمهای نگران اصلاح طلبان حکومتی و راستها و همچنین چپ های خانه نشین و جغدهای کنونی جنبش انقلابی مردم در حال پیشروی است.

مهر ماه امسال و شعار دانشجویان در تهران که با صدای رسا اعلام کردند "مرگ بر دیکتاتور" و "حکومت فاشیست نمیخوايم" و... نقطه آغاز دور دیگری از تعمیق و به میدان آمدن جنبشهای اجتماعی را نشان میدهد. قبل از اعتراض کوبنده دانشجویان اعتصابات و اعتراضات قدرتمند کارگران هفت تپه و دیگر بخشهای کارگری فضای ملتهب جامعه را به همگان نشان داده بود. به میدان آمدن صف وسیع مدافعین حقوق کودک و مراسمهای چند هزار نفره در روز جهانی کودک در شهرهای تهران و سندج و اهواز و یزد و تبریز و پیرانشهر و کامیاران و دهها شهر دیگر ایران جواب محکمی به سیاستهای سرکوب رژیم اسلامی بود.

پرچم این مبارزات، شعارها و قطعنامه های آنها و قدرت سازماندهی و درایت فعالین این جنبشها يك بار دیگر جامعه را متوجه يك جنبش عمیقاً انسانی، رادیکال و سوسیالیستی کرده است. جنبشی که در جامعه در جریان است اکنون با مختصات ویژه خود جنبش سرنگونی طلبانه را هر چه بیشتر به يك جنبش انقلابی تبدیل کرده است. اگر در ابتدا و سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ پرچم و شعار جنبشهای دیگر

**اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

يك دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ مهر ۸۶
۱۱۴ اکتبر ۲۰۰۷

گزارشی تکان دهنده از شهر اشنویه

از صفحه ۱



در برابر جامعه متعهدبداند؟؟؟

هنوز هیچ سرنخی از عاملین این جنایت وانگیزه آنها بدست نیامده و بجز بهروز کوچلو تکلیف هیچ یک از کودکان دیگر (زنده یا مرده) معلوم نشده است. خانواده ها در اضطراب و تشویش بیشتر بسر می برند. کالبد شکافی استان هنوز هیچ نظری مبنی بر اینکه آیا هیچ یک از اعضای بدن کودک بیرون آورده شده و یا مورد آزار جنسی قرار گرفته و یا دقیقاً قتل چگونه انجام پذیرفته ن داده است. روز ۲۳ مهر جنازه بهروز به خانواده اش تحویل و عصر همان روز در گورستان شهردرمیان اشک و خشم همگان به خاک سپرده شد.

بعد از این واقعه تلخ یکی از روحانیون مرتجع شهر از فضای احساسی و خشمگین حاکم بر جمع حاضر در محل خاک سپاری این کودک، خانواده مقتول را به خونخواهی و قصاص و اعدام رهنمون شد و با ذکر این مسئله که مقتول کودک بوده و هیچ گناهی ندارد و... روانه بهشت میشود و به حال وی غبطه میخورد و... اظهار نمود خوش بحال چنین انسانی که اینگونه لطف و کرم خداوند شامل حالش می شود!!؟

این آخوند مرتجع انگار جنایتی اتفاق نیفتاده و انسانی کشته نشده است. او این جنایت را رحم خدا در حق به این بچه توصیف میکند. طبق گفته این آخوند، قاتل مامور خدا بوده و در حق این بچه مرحمتی کرده است. اویجای پرداختن به لایه های امنیتی و اجتماعی و تربیتی قضیه، مردم را به حفظ سنتهای غلط و ارتجاعی فراخواند.

مراسم خاکسپاری با سخنرانی یکی از اعضای کانون دفاع از حقوق کودکان پیرانشهر بنام "فایق رسولی" که در مراسم تدفین

قرار بود در مراسم خاک سپاری مسئولین دولتی شهر اشنویه نیز حضور داشته باشند که هیچ کدام از آنها در محل حاضر نشدند. دولت در پی کوچک و معمولی جلوه دادن این جنایت است. اما نماینده کمیته دفاع از حقوق کودکان و انجمن دوستداران محیط زیست اشنویه بنام کامران اخسنی ضمن عرض تسلیت به ایراد سخنرانی پرداخت. کامران اخسنی در میان سخنان خود مسئولین امنیتی شهر را خطاب قرار داده و آنها را بدلیل بی کفایتی و عدم کنترل و بی مسئولیتی در بروز چنین حوادثی مقصردانسته و با اشاره به اینکه "پس چرا در عرض کمتر از یک سال کشتن بیش از ۲۰ نفر از کارگران مرزی در مرز پیرانشهر و سرکوب و وحشت اندازی در میان مردم برای آنها از اولویت ها بوده است و کم نمی آورند. ولی در یک شهر کوچک ۵۰۰۰ نفری جسد گنبدیده کودکی باید بعد از دو هفته در حواشی شهر آنها بطور اتفاقی پیدا شود؟ آیا نباید مسئولین بیشتر از این خود را

حضور داشت مبنی بر اینکه موضوع قتل بهروز یک مسئله صرف خانوادگی و شخصی نبوده و به یک زنجیره کودک ربائیهای احتمالاً سازمان یافته و مرتبط وصل است آن را در بعدی اجتماعی نشان داده و همه آحاد جامعه را جهت جلوگیری از بروز چنین جنایاتی فراخوانده و مراسم پایان پذیرفت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک به خانواده بهروز احمدیان تسلیت میگوید و از همه مردم و مدافعین کودک میخواهد که برای جلوگیری از تکرار این جنایات اقدامات لازم را انجام بدهند. مردم نباید هیچ توهمی به دولت و مقامات دولتی داشته باشند. شرایطی که این جانین بر جامعه حاکم کرده اند این نوع جنایت را تولید میکند. مردم باید به خیابان بیایند اعتراض کنند، تجمع کنند و دولت را تحت فشار قرار بدهند که امکانات ایمنی لازم برای حفاظت از کودکان و شرایط مناسب پرورش کودکان فراهم کند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اکتبر ۲۰۰۷
۲۴ مهر ۱۳۸۶

بیانیه انجمن حمایت از
کودکان کار ارومیه

در حمایت از بیانیه کمیته دفاع از
حقوق کودکان انجمن محیط زیست
اشنویه

کودکان به شیوه های گوناگون مورد سوءاستفاده و بی توجهی جامعه قرار می گیرند. کار خرابانی، کار در کوره پزخانه ها نمونه های عینی از وضعیت استثمار کودکان می باشد. نقض حقوق کودکان به اینجا ختم نمی شود بلکه آزار و اذیت جسمی و سوءاستفاده جنسی

از آنان برای کار در امور نا مشروع نیز به امری مرسوم در جامعه متمدن امروز تبدیل شده است. فجیع ترین و وحشیانه ترین این برخوردها دزدی و قتل آنها می باشد. قتل کودک ۶ ساله (بهروز احمدیان) در شهرستان اشنویه تعرضی وحشیانه به حقوق جهانشمول کودکان می باشد. ربودن و دزدیدن چند کودک در شهرهای مختلف ادامه حوادث ناگوار و وحشیانه ای می باشد که به شیوه های مختلف در حق کودکان اعمال می شود. ما این جنایات سازمان یافته در حق کودکان را با چنین شیوه های غیر انسانی محکوم کرده و از انجمنها و نهاد های دفاع از حقوق کودکان خواستار واکنش و محکوم کردن این جنایات وحشیانه می باشیم. بر نهادهای دولتی واجب است که در جهت برگرداندن امنیت روانی به کودکان اقدامات لازم را انجام داده باشند که با اقدامات انسانی و حمایت از ارزشهای انسانی کودکان دنیایی مملو از صلح و امنیت و آسایش را برایشان نه ارمغان نیاوریم.

انجمن حمایت از
کودکان کار ارومیه
۲۳ مهر ۱۳۸۶

بیانیه کمیته دفاع از
حقوق کودکان

انجمن دوستداران محیط زیست اشنویه

کودکان فرشتگان روی زمین اند. ماجرای دزدیده شدن و کشتن یا مرگ کودک شش ساله ای به نام بهروز احمدیان باعث تأسف و تأثر تمامی اهالی شهرمان شد. اینکه چه کسی یا کسانی، با چه انگیزه ای دست به انجام چنین عمل شنیعی زده اند، هنوز بر ما روشن نیست. کودک آزاری، سرقت کودکان و سوءاستفاده به هر شیوه، از آنان موضوعی است که تمامی نهادها سازمانها و

انجمن های طرفدار حقوق کودکان به نحوی خواهان جلوگیری از آن هستند. با استناد و اشاره به کنوانسیون حقوق کودک مبنی بر اینکه کودک به دلیل عدم بلوغ جنسی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می باشد، ما خواستار و خواهان توجه بیشتر به وضعیت کودکان هستیم، زیرا بروز چنین فجایعی بر ذهن کودکان تأثیر فراوان می گذارد و فضای ناامن روانی برای آنان و والدین بوجود می آورد. مهمتر از آن، فرونگاستن دامن این فاجعه به یک نفر و یک خانواده می باشد. تمامی شهروندان و نهادهای اجتماعی از خانواده و جامعه تا دولت در مقابل آن مسئول می باشند. همانطور که ماده سی و پنج کنوانسیون حقوق کودک نیز به آن اشاره دارد «حکومت های عضو پیمان با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه ای و بین المللی از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد جلوگیری کنند». لازم است تمامی آحاد جامعه در برگرداندن امنیت روانی به کودکان تلاش نموده، تا دیگر شاهد تکرار چنین جنایاتی نباشیم. ما ضمن تسلیت به خانواده داغدار خردسال بهروز احمدیان از فرمانداری محترم نیروی انتظامی و مقامات قضایی شهرستان اشنویه خواستار پیگیری مجادنه و مجازات عامل یا عاملین این جنایت هستیم. امید که دنیای لبریز از امنیت صلح و آرامش برای کودکان بوجود آوریم.

انجمن دوستداران
محیط زیست اشنویه
کمیته دفاع از حقوق کودکان
۲۲ مهر ۸۶

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:



ماهواره هات برد
فرکانس
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلازما سیون عمودی (Vertical)
سایت کانال جدید: <http://www.newchannel.tv>
آدرس تماس: kanaljadid@yahoo.com
tv.anternasional@yahoo.com
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۹۰۴۱۳۵۲۵ و ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

از میان نامه ها و سؤالات

نجات از پیرانشهر: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه جنایات در جامعه بالا نخواهد رفت؟ و با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه مجازات می شوند؟

گلپریان: نجات عزیز قضیه دقیقا عکس این است. یعنی با لغو مجازات اعدام درجه قتل و آدم کشی که میراث مناسبات حاکم بر جامعه است، بسوی کاهش و محوشدن خواهد رفت. شما لحظه ای به این مسئله دقت کنید که چرا شخصی در صدد کشتن کسی دیگر برمی آید؟ دلیل این قتل چه بوده است؟ آیا انسانی که دست به قتل می زند، در بدو تولد قاتل زاده شده اند؟ آیا اساسا کسی دوست دارد شخص دیگری را بکشد و خودش هم در انتظار قصاص و اجرای قوانین ارتجاعی حکومت اسلامی باشد؟ میدانم که پاسخ شما و هر انسان آزاده و واقع بینی به این سئوالات منفی است.

فقر و تنگدستی، در جامعه، یکی از عوامل اصلی بروز قتل است. عدم تامین اجتماعی زندگی شهروندان جامعه، دلیل دیگری برای رشد و نمو اینگونه قتلها است. حتما میدانید که کسانی که بعنوان قاتل خطاب قرار می گیرند، لابد برای تامین زندگی مادی خود و برون رفت از بحران اقتصادی ناچارند مثلا دست به دزدی بزنند و در حین ارتکاب به دزدی، با طرف مقابل درگیر و گلاویز می شود و یکی از طرفین به قتل می رسد. یا مثلا کسانی که اعضای نزدیک خانواده نظیر همسر، دختر و یا خواهر خود را بخاطر افکار عقب مانده ناموسی و افکار خرافی و عهد عتیق رژیم حاکم به قتل می رسانند. شما اگر دست روی هر قتلی بگذارید، نمی توانید بانی اصلی آنرا که مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه است را نبینید. پاسخ بوجود آمدن یک قتل انتقام گرفتن از آن نیست. قتل قتل می آفریند و مدام باز تولید می شود. همانگونه که از مقطع پیدایش حکومت اسلامی شاهدش هستیم، علاوه بر رسمیت داشتن حکم اعدام

در قوانین اسلامی این رژیم، و تمام فقر و فلاکت موجود در این ۳ دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی، این مسئله سیر صعودی داشته و ایران را میتوان در ردیف اولین کشورهایایی ثبت کرد که اعدام در آن به حد اغلائی خود رسیده است.

در کشورهای غربی از آنجا که تا حدودی زندگی مردم از یک سرو سامان نسبی برخوردار است و همچنین مجازات اعدام وجود ندارد، بندرت شاهد بروز قتل و کشتن کسی بدست کسی دیگری هستیم.

و اما در مورد پاسخ به بخش دوم سئوال شما بگویم که، اولاً قبل از هر چیز باید با مبارزات وسیع و دائمی کاری بکنیم که رژیم فعلی جمهوری اسلامی مجازات اعدام را از قوانینش بردارد. این امر شدنی است و میتوان با فعالیت گسترده ای در داخل کشور و همچنین افکار عمومی بین المللی و وادار نمودن کشورهای اروپایی، جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشت که این قانون وحشیانه و ضد بشری را کنار بگذارد. این یکی از امور هر روزه ماست که تا حدود زیادی توانسته ایم در آن پیشروی کنیم. در داخل کشور نیز باید حرکت و جنبش علیه اعدام و لغو آن، در دستور کار فعالین اجتماعی و انسانیهای آزادیخواه و برابری طلب قرار گیرد.

راه حل جلوگیری از هر قتلی این است که عوامل و دلایل آن قتل را شناخت، مورد بررسی قرار داد و ریشه این عوامل و دلایلی را که موجب قتل گشته است خشکاند. پیداست که کسی که مرتکب قتلی شده است نباید گذاشت راست راست در خیابان و محله قدم بزند باید او را محاکمه کرد. اما چنین کسانی را باید از محیط اجتماعی زندگی مردم دور نگه داشت و با تشخیص علت قتل، آنها را در مراکز درمانی، آموزشی نگهداری کرد. این گونه افراد ممکن است و می توانند دوباره و بدنبال از سر گزاردن دوران آموزش و درمان و با تشخیص صلاحیت متخصصان امور روانشناسی اجتماعی و درمانی، می توانند به میان جامعه باز گردند

و انسانهای مفیدی نیز بحال خود و اجتماع باشند. این را باید اضافه کنیم که چنین انتظاری از یک رژیم بشدت قاتل و جنایتکار را نباید داشت. تا هم اکنون رژیم اسلامی، خود یکی از بزرگترین قاتلان و جنایتکاران تاریخ معاصر است و باید در یک دادگاه بین المللی به محاکمه کشیده شود. برای مهره های اصلی و سردمداران این رژیم نیز نباید حکم مرگ در موردشان اجرا شود. همینقدر کافی است که به جنایات سه دهه از حاکمیتشان در پیشگاه افکار عمومی جهان اعتراف کنند آنگاه و بدنبال چنین واقعه ای، بشریت دنیای امروز بار دیگر نخواهند گذاشت که چنین جانورانی در هیچ گوشه گیتی بار دیگر سر بر آورند. این بزرگترین دستاوردی خواهد بود که هیچگاه تاریخ بخود ندیده است. به امید آن روز که چندان هم دور نیست.

در مورد سئوال سوم شما که پرسیده اید کمونیسم یعنی چی؟ تا کنون و در فرهنگ سیاسی احزاب و جریانات سیاسی چپ سنتی که پیشینه آن به قبل از انقلاب ۵۷ بر میگردد، تعاریف کلیشه ای و منجمدی از کمونیسم داده میشد. و اهداف و آرمانهای کمونیستی را به گونه ای تعریف و ترسیم میکردند که رسیدن به آن فقط در رویا قابل دیدن بود. بحث در مورد تعاریف و تصویری که پیشتر از کمونیسم و یک جامعه کمونیستی داده میشد، خود احتیاج به یک بررسی تاریخی تری دارد که آنرا به وقت دیگری موقوف میکنم اما در پاسخ به سئوال مشخص شما از کمونیسم، در اینجا به این جنبه از نکات دخیل در آن اکتفا می کنم. در یک جمله اگر بخواهم یک تعریف زمینی و مادی از کمونیسم را اشاره کنم این است که سعادت، رفاه، امنیت، آسایش و خوشبختی برای هر تک انسانی بر روی این کره زمین، تمام اهداف و آرمانهای کمونیستی را توضیح می دهد. برای دست یابی به یک زندگی شایسته انسان که در آن نه جنگی باشد نه زوری، برچیدن کامل استثمار انسان از انسان، وسایل تولید در جامعه به جای اینکه در اختیار مثنی انگل و سرمایه دار باشد، در اختیار جامعه قرار بگیرد. این امر نیز ساختار و مکانیزمهای رویایی خود را نیز خواهد داشت

نظیر نمایندگان شوراهاى مردم و کارگران که در ساماندهی اقتصاد سوسیالیستی و بر اساس منافع کل جامعه انتخاب می شوند و تصمیم گیری می کنند. آزادی در جامعه که هر کسی و با استفاده از سازمان و تشکلهای مختلف در رشد و شکوفایی زندگی فکری، اجتماعی و علمی شهروندان جامعه دخیل است و حرفش را می زند. برابری کامل زن و مرد، در اولویت قرار داشتن حقوق کودک، احترام به حرمت و کرامت انسان، بی نیاز شدن انسانها در تمام شئون زندگی، و در یک کلام سعادت و خوشبختی برای همه. تحقق اینها معنایی جز کمونیسم ندارد. شاید این سئوال مطرح شود که خوب این همه سعادت و خوشبختی چگونه قابل حصول است؟ آیا می گذارند به آن دسترسی پیدا کنیم؟

تمامی ابزار و امکاناتی که می تواند یک جامعه کمونیستی را یعنی (سعادت و خوشبختی و رهایی انسان از قید بردگی و استثمار) را موجب شود، هم اکنون وجود دارد. کلید اصلی آن لغو مالکیت سرمایه داران بر وسایل تولید و لغو حاکمیت شان بر جامعه است. برای تحقق این امر متشکل کردن و سازماندهی طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی تولید در جامعه و تصرف قدرت از دست سرمایه داران حاکم کاری است که سالهاست حزب ما برای تحقق آن تلاش می کند. علاوه بر نکات پایه ای و مادی که فوقا و تیتروار اشاره شد، بنیاد نهادن یک جامعه کمونیستی ابتدا مستلزم یک حزب جدی کمونیستی است که رهبری و هدایت به تحقق رساندن مبارزه طبقاتی را از نظر سازماندهی انقلاب اجتماعی که طبقه کارگر در راس آن باشد و اتخاذ سیاست و تاکتیکهای مناسب برای به پیروزی رساندن آن، یکی دیگر از مولفه های این امر است. کسانی که خود را در پیشبرد و به ثمر رسانیدن این امر سهیم و دخیل می دانند کمونیستهایی هستند که ضرورت پاسخ به نیاز بشریت امروز را وظیفه عاجل و همین امروز خود می دانند.

برابری: چند تا سئوال داشتم. چکار باید کرد تا از دخالت مذهب در مدارس بویژه مهد کودکیها جلوگیری کرد؟ دوم اینکه من در یک

خانواده با باورهای مذهبی زندگی می کنم و تا بحال در خانواده ما در مورد نقد مذهب بحثی صورت نگرفته است، چگونه می توانم وارد نقد از مذهب شوم؟ و سئوال آخر اینکه آیا فیدل کاسترو یک کمونیست است؟ چرا هوگو چاوز که خود را یک سوسیالیست میدانم مدام به ایران نزد سران این رژیم سفر می کند؟

گلپریان: برابر عزیز با تشکر از ارسال سئوالات برای ایسکرا. سموم مذهب را باید از تمامی گوشه و زاویای زندگی مردم پاک کرد. اما شما روی نکته بسیار مهمی انگشت گذاشته اید آنهم مدارس کودکان و مهد کودکیها است. راههای مختلفی را باید اتخاذ کرد تا از دخالت و حضور مذهب در زندگی کودکان جلوگیری کرد.

یکی از این راهها تلاش و مبارزه مردم، پدر و مادها، فعالین دفاع از حقوق کودک و در یک کلام مبارزه اجتماعی مردم مبنی بر خواست جدائی مذهب از آموزش و پرورش است. باید خواست جدائی مذهب از آموزش و پرورش و محیط مدارس، بعنوان خواستی عمومی و همگانی تقویت و گسترش یابد. فعالین حقوق کودک و والدین کودکان می توانند در خنثی کردن آنچه که در مدارس و مهد کودکیها در زمره تعالیم مذهبی قرار دارد عمل نمایند.

اما ریشه ای ترین اقدام در این زمینه، سرنگون ساختن این رژیم ضد انسان و ضد کودک است.

در مورد سئوال دوم پیرامون نقد مذهب باید بگویم که آنچه را که امروز مردم را به نیستی و نابودی کشانیده است نقش مذهب و اسلام سیاسی و قوانین عهد حجری رژیم اسلامی است که کمک بزرگی در حفظ نظام نابرابر موجود میکنند. امروز در ایران هیچ اموری از زندگی مردم نیست که مذهب در آن دخالت نکند. تحمیل قوانین و سنتهای مذهب بر زندگی مردم که شرایط بشدت سخت و دشواری را بر آنان حاکم کرده است، سوژه مناسبی برای طرح و نقد آن است. از مدارس گرفته تا جدا سازی ها، از حجاب گرفته تا فرهنگ و سنتهای پوسیده مذهب، از اعدام و شکنجه و سنگسار گرفته تا بی حقوقی مردم در جامعه،

از میان نامه ها و سؤالات

اقدام جالب کارگران عسلویه علیه مجازات اعدام و در دفاع از کارگران هفت تپه



دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه در سه نقطه این شهرک نصب کرده و با اعتصاب کارگران نیشکر اعلام همبستگی کرده اند.

حزب کمونیست کارگری اقدامات کارگران عسلویه علیه احکام و مجازات اعدام و در دفاع از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه را پاس میدارد و دست فعالین این حرکت را میفشارد. فعالین این حرکت در واقع خواست و نظر هزاران کارگر عسلویه را با این ابتکار به نمایش گذاشتند و بدین طریق همراه با هزاران آزادیخواه دیگر در داخل کشور و در سطح جهان روز جهانی علیه اعدام را گرامی داشتند و به همبستگی با کارگران نیشکر پیوستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری ارسال شده است، تعدادی از کارگران عسلویه به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام دست به ابتکار جالبی زدند و پلاکاردهائی که روی آنها نوشته شده است: اعدام نه، روز ۱۰ اکتبر برابر با ۱۸ مهر روز جهانی علیه اعدام در برخی نقاط شهرک عسلویه نصب کرده اند. کارگران عسلویه در روز ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) نیز چند پلاکارد با شعار: نه به اعدام، زندان و شکنجه برای ۱۳ کارگر سندنه در مسیر جاده عسلویه - نخل تقی نصب کردند که پس از ۱۰ ساعت توسط نیروهای رژیم برچیده شد.

کارگران عسلویه همچنین پلاکاردی در

همگی اینها مسائل و موضوعاتی هستند که رژیم اسلامی و قوانین اسلامی حاکم بر آن، باید در محیط خانواده و در میان جامعه و در هر جمع و محفلی مورد نقد و تندترین تعرضات هر انسان آزادیخواه و برابری طلب قرار گیرد. شما در میان اطرافیانتان می توانید مثلاً در این زمینه شروع کنید که شرایط و موقعیت تحمیل شده توسط قوانین و حکومت اسلامی، در تضاد شدید با حقوق انسان و انسانیت است. شما می توانید بعنوان مدافع انسانیت و حقوق برابر انسانها با یک دیگر، مذهب و قوانین، فرهنگ و سنتهایش را نقد کنید که در مغایرت و ضدیت کامل با حقوق انسان است. بایستی بر روی یک سکو پای شما کاملاً محکم و استوار قرار داشته باشد آنها سکوی دفاع از حقوق انسان، دفاع از حقوق برابر زن و مرد، دفاع از حقوق کودک، دفاع از آرمان و آرزوی انسانهایی که توسط اسلام و قرآن و رژیم حامی آن به نابودی کشانیده شده است. از مشکلات زندگی همین امروز آدمها باید به سراغ نقد مذهب رفت.

اما در مورد فیدل کاسترو، ما کاسترو را بعنوان کمونیست نمی شناسیم و جامعه کوبا هم هیچوقت جامعه ای سوسیالیستی نبوده است اما کاسترو طی حاکمیت خویش در کوبا و علازم تهدیدات چندین ساله آمریکا علیه این حکومت، بدنبال بقدرت رسیدنش توانست در آن جامعه طب را مجانی کند، رفاهیات و

امکاناتی برای مردم را در برنامه دولت خود بگنجاند و در مقابل تهدیدات و سرنگونی اش توسط آمریکا مقاومت کند. هوگو چاوز هم با شعار "سوسیالیستی" از نوع بورژوازی آن به جمع آوری رای پرداخت و به ریاست جمهوری رسید. این را باید در نظر داشت که مردم در کشورهای آمریکای لاتین به جامعه ای آزاد و برابر و سوسیالیستی تمایل دارند. بر این اساس در مقطع انتخابات ریاست جمهوری و یا احزاب پارلمانی، افراد و احزاب بخاطر کسب آرا و برای رسیدن بقدرت با شعارها و دادن وعده فرم و اصلاحات با همدیگر به رقابت می پردازند. اما همینکه بقدرت رسیدند دمار از روزگار کارگر در مملکتشان را در می آورند. نمونه عینی و عملی آنها این است که شما اشاره کرده اید که ایشان بجز کاسه لیبسی و چاپلوسی برای جانینان رژیم اسلامی و تحت لوی سهمی بودن در تقابلشان با آمریکا، مدام با سران جنایتکار این رژیم مشغول لاس زدن هستند.

ملاک سوسیالیستی بودن یک جامعه این است که ابزار تولید در یک جامعه در حیطه و مالکیت جامعه باشد و کار مزدی لغو شده باشد. فعلاً در هیچ کجای دنیا از این خبری نیست. امید و تلاش ما بعنوان حزب کمونیست کارگری این است که با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط انقلاب مردم چنین امری را متحقق کنیم.

در مورد اخراج مهرنوش موسوی از حزب "حکمتیست"

بدهند، اقدامی از سر استیصال است که فقط میتوان با راست روی های دیگر حزب حکمتیست توضیح داد. ما قبلاً طی اطلاعیه ای در مورد این راست روی و سقوط به دامن سیاست های نظم نوینی - قومی هشدار داده بودیم و اکنون این تنها تصمیم اعلام شده بعد از کنگره حزب "حکمتیست" نشان میدهد که این نگرانی و هشدار کاملاً بجا بوده است.

حزب کمونیست کارگری بار دیگر همه کمونیست ها و از جمله کادرهای متعهد به کمونیسم در حزب "حکمتیست" را فرا میخواند تا علیه این راست روی ها محکم بایستند و به اخراج مهرنوش موسوی که به جرم انتقاد از این سیاست ها صورت میگیرد، اعتراض کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اکتبر ۲۰۰۷، ۲۲ مهرماه ۱۳۸۶

با پایان کنگره غیر علنی حزب حکمتیست، قبل از اینکه حتی اطلاعیه پایانی کنگره، مصوبات و حتی اسامی اعضای ارگانهای رهبری این حزب اعلام شود، طی اطلاعیه ای اخراج مهرنوش موسوی عضو کمیته مرکزی این حزب اعلام شده است. ظاهراً تنها نکته ای که رهبران حزب حکمتیست تا این لحظه بر آن توافق کرده اند همین اخراج بوده است! حزب کمونیست کارگری این دست بردن به حربه تشکیلاتی در مقابل بحث سیاسی مخالف را محکوم میکند و آنرا نمونه مسلم عدول از پرنسیپ های تشکیلاتی کمونیسم کارگری و رفتار سیاسی انسانی میدانند. بکارگیری اهرم تشکیلاتی در بحث سیاسی و مبارزه نظری، بکار گرفتن حربه اخراج علیه کسی که با جدیت کوشیده است از گردش به راست حزب متبوعش جلوگیری کند، بکارگیری حربه اخراج در برابر کسی که توانسته اند جواب بحث سیاسی اش را

اجرای حکم اعدام اختر محمدی یک هفته به تعویق افتاد!

رسیده است اجرای حکم اختر یک هفته به تعویق افتاده است و وکلای او در تلاش هستند که وی را از اعدام نجات دهند.

اختر محمدی بعد از طلاق گرفتن از همسر اولش با مادر و پدرش در شهریار زندگی میکرد. آنها با صاحبخانه مشکلاتی داشته و بعد از یک دوره جر و بحث روزی پسر کوچک صاحبخانه که ۴ ساله بود، به قتل میرسد. آنها ادعا میکنند که اختر این جنایت را انجام داده است. اما اختر این اتهام را رد کرده است.

جمهوری اسلامی ایران قصد اعدام اختر را دارد. کمیته بین المللی علیه اعدام، مخالف اعدام است اعدام بهر دلیل و بهانه ای محکوم و مردود است.

اکنون یک هفته وقت داریم که بهر طریق ممکن جلوی اجرای این حکم را بگیریم. کمک کنید اختر محمدی را از اعدام نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ اکتبر ۲۰۰۷

494917 704.46Tel. +
manochermason@yahoo.com
www.adpi.net

اختر محمدی زن ۳۲ ساله ای است که در زندان گوهردشت به انتظار اجرای حکم اعدام خود نشسته است. قرار بود امروز سه شنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۰۷، اختر را اعدام کنند. این خبر از طریق تعدادی از کسانی که در جریان این واقعه قرار گرفته بودند، برای کمیته بین المللی علیه اعدام ارسال شد و ما از صبح روز گذشته دوشنبه ۱۵ اکتبر فعالیتهای را برای نجات جان اختر آغاز کردیم. تماس با پارلمان اروپا و تماس با نمایندگان پارلمان از کشورهای مختلف اروپایی و نهادهای مدافع حقوق انسانی و همچنین تماس با خانواده اختر و کمک کردن برای اینکه سرگذشت او در سطح نهادهای مدافع حقوق انسانی مطرح شود، مجموعه فعالیتهایی بود که دیروز انجام شد.

طبق خبری که از اتحادیه اروپا دریافت کرده ایم، دیروز با سفارت جمهوری اسلامی در شهر بروکسل تماس گرفته و همچنین با سفارت تعدادی از دولت های اروپایی در تهران تماس گرفته شده و فعالیت برای نجات جان این زن جوان آغاز شد. امروز طبق خبری که به ما

اگر من به جای خدا بودم

سارا

این بار می خواهم در مورد آرزوی دوران کودکیم بنویسم آرزویی که همیشه روی کاغذ می نوشتم اما بعد آن را پاره می کردم از ترس اینکه مبادا کسی آن را ببیند. وقتی کودک بودم آرزو داشتم خدا باشم آخه می دونید به من یاد داده بودند که خدا دنیا را درست کرده و من فکر میکردم اگر به جای او من خدا بودم دنیای زیبایی خلق می کردم من همیشه تو نوشته هایم به او می گفتم آخه خدای احمق! این چه دنیایی است که درست کردی؟ باور کن اگر من بجای تو خدا بودم بهتر از تو خدایی می کردم و به هرکس هر چی که می خواست میدادم دنیایی سرشار از مهربانی و شادی درست می کردم دنیایی که در آن همه انسانها به حقوق هم احترام

میدادند و کسی را برکسی برتری نیست دنیایی که در آن همه خوشبخت اند، دنیایی که در آن از کشت و کشتار خبری نیست چرا که کسی اسلحه ای نمی شناسد. از لحظه لحظه رنگ عوض کردن خبری نیست چرا که همه پاک و یک رنگ هستند، از نابرابری خبری نیست چرا که همه با هم برابرند، از دروغ خبری نیست چرا که کسی واژه دروغ را نمی شناسد. همه چیزهای خوب و قشنگ را درست می کردم و اجازه نمی دادم کسی با زشتیها آشنا شود. دنیایی درست می کردم که از زشتیهای عاری و پاک باشد و چیزهای زشت حتی در تصور هم نیابند اما بعدا افسوس می خوردم که چرا نمی توانم چنین دنیایی را بسازم؟ دوباره شروع میکردم به شکوه و گلایه از خدا! که

چرا من را به این دنیای مسخره آوردی من نمی توانم این دنیا را با این ویژگیهای کنونی اش تحمل کنم و نمی توانم بی اهمیت نیز باشم. اما بعدا که بزرگ شدم و با برنامه های یک دنیای بهتر آشنا شدم فکر کردم که آرزوی من چندان هم دور از

خود نباشیم. همه ما با هم می توانیم برای ساختن دنیایی زیبا عزممان را جزم کنیم. به امید روزی که همه انسانها در سراسر دنیا به واقعیت انسانی زیستن برسند.

به امید یک دنیای بهتر
مهر ۸۶

عکس زنی در حال فرار از دست مامورین مبارزه با بی حجابی



بیانیه شش ماده ای کارگران نیشکر هفت تپه منتشر شد

کارگران نیشکر هفت تپه امروز بیانیه ای در شش ماده منتشر کردند و بار دیگر بر خواسته های خود پافشاری کردند. در واقع کارگران با برکناری شفییعی، مدیر عامل قبلی کارخانه نیشکر، عزم و اراده خود را برای پیگیری همه مطالبات خود خطاب به مدیر عامل جدید اعلام کرده اند.

ما به مدیریت جدید آقای مطیعی اعلام میکنیم که کماکان بر خواسته های خود پافشاری میکنیم. خواسته های ما عبارتند از:

۱- شورای اسلامی را مانع تشکل خود میدانیم. ما در انتخابات شورای اسلامی شرکت نمیکنیم و شورای اسلامی باید منحل شود.

۲- ما هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع میشویم و در مورد شرایط کار خودمان تصمیم میگیریم. و مجمع عمومی خودمان را تشکیل میدهم. مجمع عمومی

سه روز قبل از انقضای قرارداد، کارگران قراردادی اخراج میشدند و مجدداً به استخدام درمیآمدند این بار اما ۱۲ روز قبل از انقضای قرارداد آنها را اخراج کردند و قرارداد تازه ای با آنها منعقد نشد. خواست عقد قرارداد و بازگشت به کار کارگران قراردادی اکنون در صدر خواسته های کارگران نیشکر قرار گرفته است.

حزب کمونیست کارگری از همه مطالبات بیانیه شش ماده ای کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه پشتیبانی میکند و از همه مراکز کارگری در سراسر کشور میخواهد که با صدور قطعنامه و یا ارسال نامه هائی به کارگران نیشکر از این بیانیه پشتیبانی کنند و بر همبستگی طبقاتی خود پای فشارند.

زنده باد همبستگی کارگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اکتبر ۲۰۰۷، ۲۴ آبان ماه
۱۳۸۶
ضمیمه: بیانیه شش ماده ای
کارگران هفت تپه

بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه
برکناری مدیر طرح نیشکر هفت
تپه یک پیروزی دیگر برای ما
کارگران

امروز ۲۴ مهر مطلع شدیم که مدیریت طرح نیشکر هفت تپه آقای شفییعی برکنار شدند. برکناری مدیریت یک خواست ما کارگران بود و این را یک موفقیت دیگر برای خود میدانیم.

ما به مدیریت جدید آقای مطیعی اعلام میکنیم که کماکان بر خواسته های خود پافشاری میکنیم. خواسته های ما عبارتند از:

۱- شورای اسلامی را مانع تشکل خود میدانیم. ما در

انتخابات شورای اسلامی شرکت نمیکنیم و شورای اسلامی باید منحل شود.

۲- ما هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع میشویم و در مورد شرایط کار خودمان تصمیم میگیریم. و مجمع عمومی خودمان را تشکیل میدهم. مجمع عمومی تشکل واقعی ما کارگراست. ما تشکل سندیکا را حق خود می شماریم.

۳- ما خواهان انعقاد قرارداد با همه کارگران قراردادی و بازگشت آنها به کار هستیم.

۴- ما خواهان پرداخت فوری همه طلبهایمان بابت پاداش و بن هستیم

۵- ما خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم

۶- ما خواهان برشمردن کار ما تا رسیدن به خواسته هایمان به اعتراضات خود ادامه میدهم و از مدیریت جدید میخواهیم به خواسته های ما فوراً پاسخ دهد.

کارگران نیشکر هفت تپه
۲۴ مهر ۸۶

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!